

The Explanation of National Internet Concept based on Situational Analysis

Abolghasem Bayat¹, Mohammad Fathian^{2*}

1- PhD Student of STI Policy, Iran University of
Science and Technology, Tehran, Iran.

2- Professor of Industrial Engineering, Iran University
of Science and Technology, Tehran, Iran.

Abstract

Cyberspace, as a macro socio-technical system, includes various actors and stakeholders and numerous technical, social, cultural, and economic components. This complexity and diversity inevitably make the use of systematic approaches for structuring the problem inevitable. In this study, we introduced situational analysis as a new edition of grounded theory to structure complex issues. Scientific and philosophical traditions of the last decades of the 20th century, including postmodernism, poststructuralism, social constructivism, actor-network theory, and sociotechnical systems theory are the origins of situational analysis. Therefore, based on situational analysis, we tried providing a clear picture of the national internet concept in Iran. To this end, we first demonstrated the various tools of situational analysis approach and argued why it is helpful in cyberspace policy research programs. Then, we used qualitative data, such as official documents, books, papers, media reports to draw situation maps. Finally, based on the results of using situational analysis, we enumerated the advantages of situational analysis approaches for cyberspace policy.

Keywords: Cyberspace policy, National internet, National information network, Discourse, Grounded theory, Situational analysis.

* Corresponding author: Fathian@iust.ac.ir

تبیین انگاره «اینترنت ملی» بر پایه رویکرد تحلیل موقعیت

ابوالقاسم بیات^۱، محمد فتحیان^{۲*}

۱- دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری علم و فناوری، دانشگاه علم و صنعت ایران

۲- استاد دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه علم و صنعت ایران

چکیده

فضای مجازی، به‌مثابه یک نظام کلان اجتماعی-فنی، متشکل از کنشگران و ذی‌نفعان متضاد و متکثر، و نیز مؤلفه‌های متعدد فنی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. این پیچیدگی و تنوع، استفاده از رویکردهای نظام‌مند در ساختاردهی به مسأله را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. بدین منظور، رویکرد «تحلیل موقعیت» به عنوان روشی برای ساختاردهی به مسائل پیچیده و ساخت‌نیافته معرفی شده است. خاستگاه تحلیل موقعیت به عنوان خوانش نسبتاً تازه‌ای از روش نظریه داده‌بنیاد، سنت‌های علمی و فلسفی چند دهه انتهایی قرن بیستم از جمله پسامدرن‌گرایی، پساساختارگرایی، برساخت‌گرائی اجتماعی، نظریه کنشگر شبکه برونو لاتور و نظریه نظام‌های اجتماعی-فنی است. در این مقاله، پس از ذکر دلایل کفایت استفاده از رویکرد تحلیل موقعیت در پرداختن به مسأله پژوهش، بر مبنای داده‌های متنی، اسناد، کتاب‌ها، مقالات، و اخبار و گزارش‌های رسانه‌ها، نقشه‌های موقعیت برای انگاره اینترنت ملی ترسیم شده است. در بخش پایانی نیز، حسب نتایج حاصل از کاربست رویکرد تحلیل موقعیت در پژوهش حاضر، مزایای آن برای سیاست‌پژوهی در حیطه فضای مجازی ارائه خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری فضای مجازی، اینترنت ملی، شبکه ملی اطلاعات، گفتمان، نظریه داده‌بنیاد، تحلیل موقعیت.

برای استنادات بعدی به این مقاله، قالب زیر به نویسندگان محترم مقالات پیشنهاد می‌شود:

Bayat, A., & Fathian, M. (2021). **The Explanation of National Internet Concept by Situational Analysis and its Implications for Cyberspace Policy in Iran.** *Journal of Science & Technology Policy*, 14(3), 91-106. {In Persian}. DOI: 10.22034/jstp.2021.14.3.1379

۱- مقدمه

برسد. یک سال بعد، پروژه اینترنت ملی به مرکز تحقیقات مخابرات ایران واگذار شد. در همین راستا در سال‌های ۸۶ تا ۸۸ چندین برنامه عملیاتی برای راه‌اندازی اینترنت ملی و بهره‌برداری از آن در هیأت وزیران تصویب شد. در برنامه پنجم توسعه، شبکه اینترنت ملی با نام جدید شبکه ملی اطلاعات و با هدف «بسط خدمات دولت الکترونیکی، فناوری اطلاعات، سواد اطلاعاتی و افزایش بهره‌وری در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» مورد توجه قرار گرفت. در همان برنامه، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، مکلف گردید شبکه ملی اطلاعات و مراکز داده داخلی امن و پایدار با پهنای باند مناسب و دسترسی پرسرعت را با استفاده از توان و ظرفیت بخش‌های عمومی غیردولتی، خصوصی و

«اینترنت ملی» از واژگان پرسامد و پرمنافشه در حوزه سیاست‌گذاری فضای مجازی در پانزده سال اخیر بوده است^۱. سابقه این عبارت به اواخر سال ۱۳۸۴ و هنگام طرح بحث شبکه ملی اینترنت بر می‌گردد^۲. در آن سال بر اساس تصمیم هیأت دولت، مقرر شد به منظور کاهش وابستگی به شبکه جهانی اینترنت، شبکه اینترنت ملی طی ۳ سال به بهره‌برداری

DOI: 10.22034/jstp.2021.14.3.1379

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات: Fathian@iust.ac.ir

^۱ پاسخ موتور جستجوی گوگل در تاریخ ۱۴۰۰/۰۲/۰۱ به عبارت «اینترنت ملی» در بردارنده بیش از ۳۲ میلیون رکورد بود.

^۲ عبارت‌هایی مانند «اینترنت پاک» یا «اینترنت حلال» نیز به همین اصطلاح اشاره دارد.

برخی فعالان سیاسی، دولت از ایجاد محدودیت برای تلگرام سرباز زد، اما دسترسی به این نرم‌افزار در فروردین ۱۳۹۷ توسط دستور قضائی مسدود شد. در همین راستا، شورای عالی فضای مجازی، سندی را شامل سیاست‌ها و اقدامات در حمایت از پیام‌رسان‌های داخلی تصویب کرد. طبق این سند، نهادهای دولتی از جمله وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات موظف شدند امکانات عمومی، مالی و اخلاقی را برای گسترش پیام‌رسان‌های داخلی فراهم کنند. علاوه بر این، ابزارهای سیاستی و حمایتی متعددی به منظور مهار تلگرام و کوچ تدریجی کاربران به سمت پیام‌رسان بومی جایگزین تصویب گردید [۱]. در اتفاق شاخص دیگر، به دنبال اعتراضات سراسری در کشور در پی گران‌شدن قیمت بنزین در آبان ۱۳۹۸، دسترسی به اینترنت در سراسر کشور به مدت یک هفته محدود شد. گرچه در این مدت، کسب‌وکارهایی که خدمات وب خود را بر روی سامانه‌های داخلی قرار داده بودند به فعالیت خود ادامه دادند، اما بخش زیادی از کسب‌وکارها نیز از فعالیت باز ماندند.

اکنون سه سال پس از انسداد تلگرام در ایران و با وجود پشتیبانی گسترده از پیام‌رسان‌های داخلی، تعداد کمی از کاربران در پیام‌رسان‌های داخلی فعال شده‌اند. کاربران زیادی از طریق پروکسی و وی‌پی‌ان به استفاده از تلگرام ادامه می‌دهند یا در سایر برنامه‌های خارجی فیلترنشده مانند واتساپ و اینستاگرام فعال هستند. تجربه تلگرام، علاوه بر ظاهر کردن اختلافات میان سیاست‌گذاران، نشان داد که سیاست‌های تدوین‌شده در تشویق مردم به حضور در شبکه‌های اجتماعی داخلی موفق نبوده است. به نظر علت ناکامی سیاست‌گذاری در این حوزه، فراتر از تخاصم گفتمانی در میان سیاست‌گذاران [۱] بوده و ریشه در فقدان تبیین جامع از ماهیت، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های انگاره «اینترنت ملی» دارد.

در عرصه سیاست‌گذاری، یافتن پاسخ سیاستی مناسب، به نحوه تبیین و صورت‌بندی مسأله بستگی دارد [۲]. به طور مثال بسته به اینکه مسأله اعتیاد در نظر سیاست‌گذار، بیماری یا جرم تلقی گردد، بسته سیاستی متفاوتی را می‌توان برای مواجهه با آن تجویز کرد. به همین سبب، یکی از پیش‌نیازهای سیاست‌گذاری اثربخش در حیطه فضای مجازی، ارائه تبیینی صحیح و مناسب از انگاره «اینترنت ملی» است. در ادبیات

تعاونی، و رعایت موازین شرعی و امنیتی توسعه دهد. برای پایش عملکرد نیز، سه شاخص اصلی اتصال کلیه کسب و کارها و ۶۰٪ مردم به شبکه ملی اطلاعات و اینترنت، کسب رتبه دوم در کلیه شاخص‌های فاوا در منطقه و سهم ۲٪ صنعت فناوری اطلاعات از تولید ناخالص داخلی تعیین گردید. سایر دستگاه‌ها نیز مکلف شدند با اتصال به شبکه ملی اطلاعات و توسعه و تکمیل پایگاه‌های اطلاعاتی، امکان تبادل و به اشتراک‌گذاری رایگان اطلاعات، و نیز انجام استعلامات و ارائه خدمات الکترونیکی را بر بستر آن فراهم کنند. از این‌رو «رفع نیازهای عمومی شهروندان در حوزه‌های مختلف و تسهیل بخش‌های مختلف اقتصاد متناسب با ارزش‌ها و اصول و فرهنگ اسلامی-ایرانی» از اهداف پروژه «اینترنت ملی» در سال‌های گذشته بوده است.

توسعه زیرساخت‌های اینترنت پرسرعت موبایل در اوایل دهه ۱۳۹۰ و ورود گوشی‌های هوشمند، توجه به مقوله شبکه ملی اطلاعات را وارد مرحله تازه‌ای کرد. به‌ویژه اینکه در میانه همین دهه، استفاده از پیام‌رسان‌های اجتماعی موبایلی به سرعت گسترش یافت و به منبع اصلی برقراری ارتباط، خبررسانی، سرگرمی و کسب‌وکار تبدیل شد. در همین دوره، با ایجاد محدودیت‌های رسمی برای پیام‌رسان‌هایی نظیر وایبر و لاین، کاربران ایرانی به سمت استفاده از نرم‌افزار تلگرام گرایش پیدا کردند. ویژگی‌های برتر فنی و کاربرپسند بودن تلگرام، به سرعت آن را در بین کاربران ایرانی محبوب کرد. تعداد کاربران ایرانی در این پیام‌رسان در کمتر از دو سال به حدود ۴۵ میلیون (۵۵ درصد از شهروندان ایرانی) رسید. یکی از برتری‌های تلگرام نسبت به رقبایش، امکان ایجاد کانال‌های خبری و تبدیل شدن آن به یک رسانه بود. برخی از کانال‌های خبری، بیش از دو میلیون کاربر داشتند. با گسترش تعداد کاربران این پیام‌رسان، و همچنین انتساب برخی حوادث به تلگرام مانند سازماندهی اعتراضات اقتصادی در بهمن ۱۳۹۶ (از طریق برخی کانال‌های خبری مانند آمدنیوز) و نیز حمله گروه تروریستی داعش به مجلس در خرداد همان سال، ادامه فعالیت آن در کشور زیر سؤال رفت. با بالا گرفتن بحث‌ها در محافل رسمی و عمومی و به‌رغم درخواست

^۱ وبگاه خبرگزاری ایرنا در تاریخ ۱۳۹۸/۰۳/۰۱

اینترنت ملی ذکر خواهیم کرد. در بخش سوم به بیان روش تحقیق، گردآوری داده‌ها و همچنین جنبه‌های اعتبار تحقیق حاضر به مثابه یک تحقیق کیفی اشاره خواهیم کرد. در بخش چهارم، برخی از نقشه‌های ترسیم شده بر مبنای رویکرد کلارک برای موردکاوی پژوهش به عنوان یافته‌های تحقیق ارائه خواهد شد. بحث در پیرامون یافته‌های تحقیق و نیز بینامتنی مرتبط با فضای مجازی و اینترنت ملی موضوع بخش پنجم است. در بخش پایانی نیز مزایای بهره‌گیری از رویکرد تحلیل موقعیت را در سیاست‌پژوهی برخواهیم شمرد.

۲- مبانی نظری

تحلیل موقعیت به عنوان خوانش نسبتاً تازه‌ای از روش نظریه داده‌بنیاد توسط کلارک^۳ در سال‌های پایانی دهه ۱۹۹۰ معرفی شده است. کلارک، به عنوان یکی از پیشگامان نسل دوم در توسعه نظریه داده‌بنیاد، بسیار متأثر از فضای اندیشگی و سنت‌های علمی و فلسفی در چارک چهارم قرن بیستم بوده است. بوم‌شناسی اجتماعی مکتب شیکاگو، نظریه جهان‌های اجتماعی آنسلم اشتراس، فلسفه پراگماتیستی، پسامدرن‌گرایی، پساساختارگرایی، مطالعات گفتمانی میشل فوکو، رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی، نظریه کنشگر شبکه برونو لاتور و حتی مطالعات نظام‌های اجتماعی - فنی نقش به‌سزایی در بنای رویکرد تحلیل موقعیت داشته‌اند [۵]. در ادامه برای رعایت اختصار تنها به معرفی برخی از خاستگاه‌های فکری کلارک می‌پردازیم.

از دید کلارک، به سبب پیچیدگی و گوناگونی جهان اجتماعی، هیچ روایت منفردی، به تنهایی قادر به توصیف و تشریح پدیده‌های اجتماعی نیست [۵]. به نظر می‌رسد او در این امر از ژان فرانسوا لیوتار، از پیشگامان پسامدرن‌گرایی تأثیر پذیرفته است. لیوتار معتقد بود دوره کلان‌روایت‌ها سر آمده و نمی‌توان روایت‌های خرد را نادیده گرفت [۶]. خاستگاه دیگر رویکرد کلارک، نظریه زبان‌شناسی پساساختارگرا، و آرای افرادی مانند میشل فوکو و به‌ویژه نظریه گفتمان پساساختارگرای لاکلا و موفه [۷] است، گرچه کلارک در آثار خود، عمدتاً به فوکو ارجاع می‌دهد. پساساختارگرایان به عنوان یکی از نحله‌های فکری پسامدرن

مدیریت راهبردی روش‌های مختلفی مانند PESTEL، SWOT، تحلیل محیط صنعت و الگوی پورتر برای صورتبندی مسأله ارائه شده است. این رویکردها، عمدتاً تقلیل‌گرا هستند و در احصای عوامل ایجادکننده پدیده‌ها، به مؤلفه‌های قابل رؤیت یا قریب به ذهن بسنده می‌کنند. به همین دلیل راهکار مدنظر آنها معمولاً سطحی و کوتاه‌مدت است. سهیل عنایت‌الله برای چیرگی بر این کاستی، رویکرد تحلیل لایه‌ای علت‌ها را پیشنهاد کرده است. از نظر او، چهار لایه از علل: لیتانی (علل ظاهری)، علل اجتماعی و نظام‌مند، گفتمان و جهان‌بینی، و استعاره و اسطوره در ایجاد مسأله سهیم هستند [۳]. در حالی که به باور عنایت‌الله، تحلیل‌های متداول از جمله تحلیل‌های رایج در سیاست‌گذاری فناوری، معمولاً در لایه لیتانی و علل اجتماعی، و در موارد نادری در لایه گفتمان و جهان‌بینی انجام شده و به لایه چهارم نمی‌پردازند. رویکرد عنایت‌الله به‌رغم ارزش‌مندی و اعطای بینش و بصیرت در تحلیل مسأله، فاقد ابزارهای مکفی و منسجم برای تحلیل زمینه‌های مسأله، و مؤلفه‌ها و عناصر دخیل در آن است.

از این‌رو، برای تعریف مسأله و شناخت موقعیت آن باید روش‌شناسی‌ای به کار گرفت که بتواند ضمن پوشش دادن این چهار سطح، ابزارهای تحلیلی مناسبی در اختیار محقق قرار دهد. ادعای نخستین این مقاله آن است که رویکرد تحلیل موقعیت^۱ [۴] به مثابه یک خوانش پسامدرن از رویکرد سنتی نظریه داده‌بنیاد^۲ حائز چنین ویژگی‌های روش‌شناختی است. از این‌رو تلاش خواهیم کرد ضمن معرفی این رویکرد، کاربست آن را در تبیین انگاره اینترنت ملی نشان دهیم و در خلال آن به دو پرسش پاسخ دهیم:

- موقعیت مسأله سیاست‌گذاری اینترنت ملی در ایران چه مؤلفه‌هایی دارد؟

- استفاده از رویکرد تحلیل موقعیت، چگونه به غنای پژوهش‌های مرتبط با سیاست‌پژوهی کمک می‌کند؟

بقیه مقاله به این ترتیب مرتب شده است: در بخش دوم، ابتدا به بیان تاریخچه و خاستگاه‌های رویکرد تحلیل موقعیت پرداخته و سپس دلایل کفایت این روش در تحلیل موقعیت

^۱ Situational Analysis

^۲ Grounded theory

^۳ Adele E. Clarke

سوزدها توسط گفتمان‌ها برساخته می‌شوند [۵]. او با طرح «نظم گفتمانی» ادعا کرد صورتبندی‌های گفتمانی از طریق قاب‌بندی، بازنمایی و معنابخشی، طریقه «بودن» انسان را در جهان توصیف می‌کنند. صورتبندی‌های گفتمانی، گفتمان‌های غالب هستند که احکام اجتماعی درباره کنش‌های خاص را به هم پیوند زده و از طریق نظام‌های نهادی مانند مذهب، سیاست، نظام آموزشی یا پزشکی و رسانه‌ها، تقویت می‌شوند. سیطره این گفتمان‌ها بر شهروندان و بازتولید مکرر معنا و صورتبندی آن‌ها، افراد انسانی را به مثابه سوزدهای نظم‌یافته^۲ بر می‌سازد [۵]. از این نظر، گفتمان‌های غالب به مثابه رژیم‌های معرفت در هر دوره تاریخی، صدق و کذب گزاره‌ها را تعیین می‌کنند. به بیان دیگر، حقیقت یک برساخت گفتمانی، متشکل از رویه‌های خلق، قاعده‌گذاری و اشاعه گزاره‌های درست و نادرست است. فوکو در دوره تبارشناسی خود به این سو رفت که حقیقت برساخته نظام‌های قدرت است. از این رو دسترسی به حقیقت ممکن نیست و لذا پرسش از صدق و کذب بی‌حاصل است [۱۰]. بر همین مبنا، رینر کلر [۱۱] نقش پررنگی برای تحلیل گفتمان در تحلیل موقعیت قائل است. او حتی تحلیل موقعیت را تلفیق بین نظریه داده‌بنیاد سنتی و تحلیل گفتمان می‌داند.

کلارک از نظریه کنشگر- شبکه برونو لاتور نیز الهام گرفته است. لاتور و همفکران او، با باورمندی به مرکز زدائی از سوزده شناسای انسانی، برای موجودیت‌های غیرانسانی (اشیاء، فناوری، نهادها، باورها، هنجارها و ...) نیز شأن مشارکت در برساختن و تغییر جهان قائل هستند. به نظر می‌رسد خود لاتور هم از ایده برساخت اجتماعی فناوری بیکر و پنیچ^۳ تأثیر گرفته باشد [۱۲].

کلارک، موقعیت را به مثابه یک واژه کلیدی از مفهوم بستر یا زمینه تفکیک می‌کند. در نگاه او، موقعیت جایی است که مؤلفه‌ها در آن، برخلاف بستر، نه تنها در خارج از پدیده مورد بررسی تصور نمی‌شوند بلکه جزئی از آن به شمار می‌روند. در واقع از دید کلارک چیزی به نام بستر وجود ندارد. مؤلفه‌ها و عناصر در هر موقعیت خاص مشخص می‌شوند. عناصر و مؤلفه‌ها، تشکیل‌دهنده موقعیت‌اند نه اینکه صرفاً آن

گرایی بر این باورند که جهان اجتماعی در زبان و گفتمان برساخته می‌شود و به صورت متقابل، جهان اجتماعی سبب تحول در زبان و گفتمان می‌شود [۸]. به بیان دیگر، دسترسی انسان به واقعیت از طریق زبان رخ می‌دهد و بشر با کمک زبان و انتساب معنا به واقعیت، بازنمایی‌هایی از واقعیت خلق می‌کند که به هیچ‌وجه بازتاب یک واقعیت از پیش موجود نیستند [۹]. این بدان معنی نیست که موجودیت‌های واقعی مانند اشیاء و پدیده‌های فیزیکی وجود ندارند. آن‌ها وجود دارند اما صرفاً از طریق گفتمان‌ها معنا پیدا می‌کنند. در این نگاه، یک واقعیت واحد در نزد گفتمان‌های مختلف، معنای متفاوتی دارد. هرگفتمان به فراخور موقعیت، منافع یا جهان‌بینی خود، معنای متمایزی به پدیده‌های پیرامون (مانند سیل و فناوری) نسبت می‌دهد و با توجه به صورتبندی خود از مسأله، راهکار متفاوتی در مواجهه با آن در پیش می‌گیرد. این امر دو پیامد مهم دارد. نخست؛ گفتمان‌ها، جهان اجتماعی را از طریق کنش‌های^۱ زبانی بر می‌سازند و تغییر می‌دهند. دیگر؛ بین گفتمان‌ها، به دلیل منافع و تعهدات متضاد، همواره تخاصم و اختلاف وجود دارد [۹].

از سوی دیگر، در مورد گستره کنش‌های گفتمانی بین تحلیلگران گفتمان اختلاف نظر وجود دارد. نورمن فرکلایف از پیشگامان تحلیل گفتمان انتقادی، کنش گفتمانی را محدود به متن، گفت‌وگو و نظام‌های معنایی زبان می‌داند. گفتمان از دید او، بخشی از کنش اجتماعی است و جهان اجتماعی از کنش‌های گفتمانی و کنش‌های اجتماعی برساخته می‌شود. اما تحلیلگران گفتمان پساساختارگرا مانند لاکلا و موفه، تفکیکی بین بُعد گفتمانی و بُعد غیرگفتمانی امر اجتماعی قائل نیستند. از نظر آنان همه کنش‌های جهان اجتماعی، امور گفتمانی هستند [۹]. در این نگاه، علاوه بر گفتار و زبان و متن، پدیده‌های دیگر مانند ابزار و فناوری، سازه‌های فیزیکی و ساختارهای سیاسی و اقتصادی امری گفتمانی هستند. این بازنمایی‌ها از واقعیت، همان مأموریت زبان یعنی برساختن جهان است.

میشل فوکو، با این برداشت از گفتمان همدل بود. او با مرکززدائی از سوزده شناسا، کانون تمرکز را به سمت «اجتماع» به‌مثابه جایی برای خلق گفتمان‌ها تغییر داد. در نگاه فوکو،

² disciplined subjects

³ *Social Construction of Technology* by: Trevor Pinch and Wiebe Bijker

¹ Practices

را احاطه یا چارچوب‌بندی کنند. شناسائی شرایط و عناصر دخیل در موقعیت، منوط به انجام تحلیل موقعیت است [۴]. چنانکه در ادامه خواهیم دید تحلیل موقعیت از درج نامنظم مؤلفه‌ها در نقشه موقعیت شروع شده و از هیچ ساختار یا دسته‌بندی، یا ترتیب ویژه برای ورود به موقعیت بهره نمی‌برند. این نگرش، فرایند سنتی چارچوب‌بندی مسأله پژوهش، موقعیت مورد مطالعه و داده‌های مورد نیاز برای جمع‌آوری و تحلیل را دستخوش تغییرات بنیادی می‌کند [۱۳] به نقل از [۱۴]. در ادامه استدلال خواهیم کرد که تحلیل موقعیت، چارچوب مناسبی برای توسعه درک ماهیت مسأله اینترنت و فضای مجازی در اختیار می‌نهد.

تحولات عصر ارتباطات در سال‌های انتهائی قرن بیستم و ابتدای قرن بیست‌ویکم، به‌ویژه توسعه فناوری‌های دیجیتال، وب ۲،۰ و شبکه‌های اجتماعی، پارادایم تازه‌ای از زیست اجتماعی را پیش روی بشر گشوده است. هر یک از کاربران وب و شبکه‌های اجتماعی، فارغ از سیطره کلان‌روایت‌ها، به تولیدکنندگان مستقل محتوا و ناشران خُرده‌روایت‌های شخصی خود تبدیل شده‌اند. در کنار این، زیرساخت‌های دیجیتال، سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای اطلاعاتی نیز با قابلیت‌های ذاتی خود، گفتمان ویژه‌ای را ترویج می‌دهند. این گفتمان فناورانه، توانایی کاربران را در عرصه کنشگری اجتماعی افزایش داده و سبک زندگی، انتظارات، ترجیحات و نیز عادت‌های آنان را دچار تحول جدی کرده است. از سوی دیگر، در عصر دیجیتال شده، تصورات رایج از مفهوم مکان و زمان از بین رفته و مفاهیم خرید، تجارت، آموزش و ارتباطات اجتماعی نیز دگرگون شده‌اند. از منظری پساساختارگرا، فناوری‌های دیجیتال، جهان‌های اجتماعی تازه‌ای برای هر گروه یا هر طیف از کاربران بر ساخته‌اند و آنها را در برساختن جهان‌های تازه اجتماعی توانا کرده‌اند. فناوری‌های دیجیتال از جمله اینترنت به مثابه رژیم‌های اجتماعی فنی، واجد مؤلفه‌ها و قواعد متعدد فنی، رفتاری، مهارتی، شیوه‌های کاربری، دانش، بازار، قوانین، فرهنگ و معانی نمادین، شبکه‌های فناوری، ترجیحات کاربران و سیاستگذاران و نیز تعاملات بین انسان و مصنوعات فیزیکی هستند.

این مؤلفه‌ها به تدریج در درون نهادها، زیرساخت‌ها و ساختارهای اجتماعی تثبیت شده و به مجموعه منسجم و باثباتی از قواعد مورد اجماع در بین گروه‌های مختلف اجتماعی حول فناوری (در اینجا فناوری اینترنت) تبدیل شده‌اند. افرادی مانند گیلز از پیشگامان جریان پژوهشی نظام‌های اجتماعی - فنی قرار با این برداشت از فناوری هم‌دل هستند [۱۵]. در نگاه او، مسیرهای تعاملی فناوری، به دلیل تفاوت در قواعد کنشگران و تعارضات ماهوی میان آنها، چندان هم‌مخوان و هم‌افزا نیستند. این تعارض و ناهمگونی، از منظر ادبیات کلارک، پدید آورنده گفتمان‌ها، جهان‌های اجتماعی و عرصه‌های مختلف است. افرادی مانند پیتربال فریبک و ایو پول نیز فناوری را امری فراتر از جنبه‌های صرفاً فیزیکی و واجد ارزش‌ها و هنجارها دانسته‌اند [۱۶].

بنابراین تحلیل بایسته درباره رژیم اجتماعی - فنی / اینترنت ملی، مستلزم در نظر داشتن عاملیت فناوری‌ها، ابزارها و زیرساخت‌های دیجیتالی، و موجودیت‌های متعدد فیزیکی، ارزشی و هنجاری است. این دغدغه به خوبی در تحلیل موقعیت کلارک و رویکرد کنشگر - شبکه لاتور پوشش داده شده است. از نظر کلارک، موجودیت‌ها و عناصر غیرانسانی در کنار مؤلفه‌های انسانی، مدخلیت و عاملیت دارند و می‌توانند سبب تغییر در موقعیت شوند. از سوی دیگر، چنانکه اشاره کردیم وب ۲،۰ و شبکه‌های اجتماعی، به بستری برای تولید محتوا و نشر آرا و افکار توسط آحاد کاربران، صداهای خاموش و خاموش‌شده^۱ و به‌حاشیه‌رانندگان تبدیل شده‌اند. هرچند مطابق برخی تحلیل‌های فمینیستی، تعبیه ارزش‌های مردسالار در فناوری‌های مختلف از جمله فناوری‌های دیجیتال، زنان را به حاشیه رانده است [۱۷]. کلارک در پی توجه‌دادن به این کاستی‌ها است. توجه به روایت‌های خُرده، متنوع و متکثر و نیز صداهای شنیده نشده، از ویژگی‌های پسامدرن‌گرایی اوست. علاوه بر این‌ها، رویکرد تحلیل موقعیت، توجه ویژه‌ای به عاملیت و قدرت دارد و آنها را از طریق تحلیل گفتمان، جهان‌های اجتماعی و عرصه‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد. بنابراین بر مبنای امکانات این چارچوب تحلیلی می‌توان به بررسی نقش قدرت و سیاست در شکل‌دهی به سازوکارهای سیاست‌پژوهی فضای مجازی نیز

^۱ Silent and Silenced

منابع داده‌ای متفاوت؛ رسانه‌های مکتوب، دیداری و شنیداری و همچنین متون گفتگوهای رسانه‌ای افراد مختلف اعم از سیاستمداران، سیاستگذاران، فعالان فرهنگی و اجتماعی و نیز خبرگان فضای مجازی، بر روائی پژوهش افزوده است.

رویکرد کلی تحقیق حاضر از نوع کیفی و راهبرد آن از نوع پس‌کاوی یا قیاس محتمل^۱ است. در این نوع استدلال، پژوهشگر پس از غور در داده‌های کیفی، در پی نائل شدن به نظریه‌ای برای ارائه محتمل‌ترین تبیین است. نظریه از پی رفت و بازگشت مکرر بین ویژگی‌های ذره‌ای داده‌ها و تفکر انتزاعی پدیدار می‌شود [۱۸]. برای این منظور، محقق باید دارای ذهنی توانا برای انتزاع، مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی بر مبنای شواهد و داده‌ها باشد و از طریق آشنائی با آراء، نظریات و پیشینه تحقیق، حساسیت نظری لازم را کسب کرده باشد. حساسیت نظری، محقق را در نگاه متأملانه به شواهد و نیز کاوش عمیق در داده‌ها برای کشف لایه‌های درونی، و همچنین قدرت استنتاج و مفهوم‌سازی و رویاندن نظریات تازه یاری می‌دهد [۲۰]. از این رو در راهبرد پس‌کاوی، محقق با تکیه بر تجربه و آگاهی پیشینی و کاوش در ظاهر داده‌ها، به گزاره‌هایی علی، ربطی و غیرجهان‌شمول، و نیز فرض‌هایی محتمل اما قابل قبول، جهت تبیین پدیده و موقعیتی خاص و منفرد نائل می‌شود [۲۰]. بنابراین در این نوع پژوهش، تعمیم‌پذیری، روایی و پایایی - در معنای مورد نظر تحقیقات کمی - موضوعیت ندارد. برونداد تحقیق در وضعیتی روائی دارد که گزاره‌های استنتاج‌شده به صورت بین‌الذہانی، موجه و متقاعدکننده باشند و فارغ از شهود و ادعای شخصی، با تکیه بر استنباط‌های قوی و استنتاج‌های صحیح و منطقی، کفایت نظری لازم را برای تشریح و توصیف موقعیت داشته باشند [۲۰]. نظرخواهی از خبرگان، نشان داد که گدها، عناصر و مؤلفه‌های اکتشافی توسط محققان، تا حدود زیادی، موجه و متقاعدکننده بوده است. با وجود این، نمی‌توان انکار کرد که ترسیم نقشه‌های مختلف موقعیت، از چشم‌اندازهای فلسفی و نیز دیدگاه‌ها یا تجربه‌های شخصی محقق تأثیر می‌پذیرد [۲۱] به نقل از [۲۲]. کلارک [۵] نیز تأکید می‌کند محقق باید در ترسیم نقشه‌های تحلیل موقعیت به عنوان یک روش کیفی از دانش و خبرگی خود استفاده کند. چارمز [۲۳] نیز نقش

پرداخت. با توجه به دلایل ذکر شده می‌توان ادعا کرد رویکرد تحلیل موقعیت کلارک، کفایت لازم را برای تحلیل موقعیت اینترنت ملی و فضای مجازی دارد.

۳- گردآوری داده‌ها و اعتباریابی

در این تحقیق به صورت هدفمند از داده‌های منابع متعدد متنی، بالغ بر بیش از ۷۷ خبر و گزارش، ۵۰ مصاحبه بلند و کوتاه رسانه‌های برخط با افراد صاحب‌نظر، سیاستگذاران و نیز اعضای نهادهای مرتبط با فضای مجازی، همچنین مصاحبه‌های ویدئویی موجود در فضای مجازی و بیش از ده کتاب و مقاله استفاده شده است. مطالب منتشره در رسانه‌ها در بازه زمانی مهر ۱۳۹۶ تا شهریور ۱۳۹۷ سهم عمده‌ای در گردآوری داده‌های متنی ایفا کردند. در بازه مذکور بحث‌های داغی بر سر فعالیت پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی خارجی و نیز شبکه ملی اطلاعات و اینترنت ملی در کشور درگرفته بود. با وجود این تلاش شد تا رسیدن به اشباع نظری از اخبار و گزارش رسانه‌ها و منابع دیگر تا مهر ۱۴۰۰ نیز استفاده گردد. در گام نهائی، مضامین استخراج شده (به شرح بخش ۴-۱)، در اختیار ۱۵ تن از خبرگان موضوع، دانش‌آموختگان دکترا و دانشجویان سال آخر دکترا قرار گرفت. ابتدا رویکرد تحلیل موقعیت برای آنها تشریح شد و سپس از آنها درباره جامعیت مضامین استخراج شده، نظرخواهی گردید. همچنین از ایشان درخواست شد در صورت عدم کفایت مضامین ارائه شده، سایر عناصر و مضامین دخیل در تحلیل موقعیت فضای مجازی را اضافه کنند. در عین حال پس از دریافت نظرات ۱۲ نفر، داده جدیدی اضافه نگردید. داده‌های گردآوری‌شده، طبق اصول راهنمای رویکرد تحلیل موقعیت [۴، ۵، ۱۴ و ۱۹] به دقت بررسی شد و سپس نقشه‌های موقعیت ترسیم گردید.

در مجموع، اعتبار و روائی پژوهش حاضر با بهره‌گیری از قسم مثلثی‌سازی تأمین شده است. با توجه به زمینه‌های مختلف پژوهشی و شغلی مصاحبه‌شوندگان؛ خط‌مشی‌گذاری، مدیریت، آینده‌پژوهی، علوم سیاسی، فلسفه علم، و مدیریت فناوری، «مثلثی‌سازی پژوهشگر» حاصل شده است. با توجه به استفاده همزمان از دو روش؛ تحلیل کیفی متون و مصاحبه نیمه ساختاریافته کتبی با خبرگان، مثلثی‌سازی بیناروشی تأمین شده است. به‌علاوه مثلثی‌سازی داده‌ای به دلیل بهره‌گیری از

^۱ Reproductive Inference

مختلف دخیل در شکل‌گیری موقعیت تهیه کند. تهیه این سیاهه تابع هیچ نظم، ترتیب یا دسته‌بندی نیست. کلارک [۱۹] توصیه می‌کند محقق آزادانه و با ذهن باز درباره موقعیت بیندیشد و تمام عناصری که به ذهنش خطور می‌کند را فارغ از حاشیه‌ای بودن یا اثرگذاری اندک یا زیاد آن، ثبت کند. این تکه‌های نامرتب اولیه برخلاف تصور اولیه، بسیار الهام بخش هستند زیرا رابطه ذهنی میان واژه‌ها و کدهای به ظاهر زائد، محقق را به سوی واژه‌ها و عناصر مهم‌تر رهنمون می‌کند [۵]. به این ترتیب، محقق در مرحله تهیه نقشه ساخت‌نیافته موقعیت می‌تواند با تبعیت از ویژگی مهم عاریه گرفته شده از وضعیت پسامدرنیسم، فارغ از وفاداری به روایت‌های غالب و پرتکرار، جزئیات ارزشمندی از موقعیت، شامل روایت‌های خرد، متکثر و متنوع، عدم قطعیت‌ها، صداهای ساکت یا ساکت‌شده فراهم کند.

از دید کلارک [۵]، پر کردن جاهای خالی در یک دسته‌بندی از پیش آماده، ایراد مسلم روش‌شناختی دارد زیرا چنانکه پیش‌تر گفتیم در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، نظریه از پی رفت و بازگشت مکرر بین ویژگی‌های ذره‌ای داده‌ها و تفکر انتزاعی پدیدار می‌شود. بنابراین مقید بودن به سازماندهی پیشینی از داده‌ها، سبب سوگیری در این هدف شده و با فرض اصلی تحلیل موقعیت منافات دارد. محقق می‌تواند پس از شفاف شدن بیشتر موقعیت و رسیدن به کفایت نظری (نمونه برداری نظری)، در سیاهه خود جرح و تعدیل انجام دهد. همچنان که در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد سنتی، می‌توان بارها کدگذاری را تغییر داد. با این حال نقشه «درست» نهایی وجود ندارد. در شکل ۱، برای اختصار، بخشی از نقشه ساخت‌نیافته مربوط به انگاره اینترنت ملی دیده می‌شود.

محقق در گام دوم، با تلخیص، دسته‌بندی و ادغام کدها و عناصر آشکارشده در سیاهه اولیه، آنها را در قالب مضامین سازمان می‌دهد. سپس با توجه به قرابتی که چند مضمون با یکدیگر دارند آنها را در طبقاتی از مؤلفه‌ها قرار داده و به نقشه ساخت‌یافته‌ای^۲ از مؤلفه‌های موقعیت انگاره اینترنت ملی دست می‌یابد (جدول ۱). شکل ۲ نگاشت مؤلفه‌های دخیل در موقعیت مسأله اینترنت ملی را نشان می‌دهد.

ویژگی‌های فردی محقق را در تحقیقات مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد تأیید می‌کند. باید اضافه کرد پژوهشگر اصلی، به دلیل سابقه تجربی نسبتاً طولانی در حوزه فناوری اطلاعات، پیگیری تخصصی مسأله پژوهش در پنج سال اخیر، و همچنین در جایگاه کاربر جدی شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های موبایلی، به اندازه کافی با موقعیت مسأله آشنا بوده است.

۴- یافته‌های تحقیق

تحلیل موقعیت، موقعیت‌یابی پدیده اجتماعی در درون یک تصویر بزرگ است. در این تحلیل، نقطه تمرکز از کنش محوری در نظریه داده‌بنیاد سنتی، به «موقعیت» به عنوان واحد کلیدی تحلیل نقل مکان می‌کند. تحلیل هر موقعیت بر مبنای چهار نوع نقشه؛ نقشه موقعیت، نقشه رابطه، نقشه عرصه‌ها/جهان‌های اجتماعی و نقشه وضعیت انجام می‌شود. نقشه‌های موقعیت، با ترسیم پیچیدگی‌ها و روابط در هم‌تنیده میان مؤلفه‌ها و موجودیت‌های حاضر در موقعیت، درکی گسترده، بینش‌افزا و غنی از موقعیت به دست می‌دهند. در ادامه ضمن تشریح جداگانه هر یک از آنها، نقشه مربوط را برای انگاره «اینترنت ملی» ترسیم خواهیم کرد.

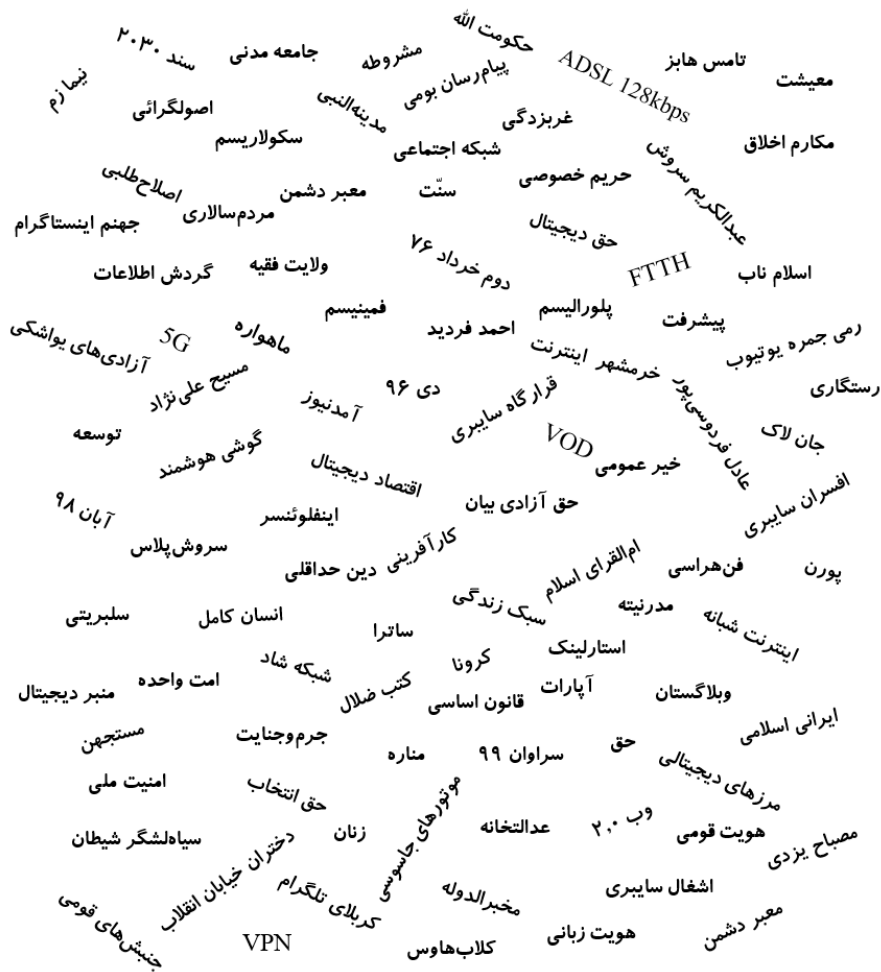
۴-۱ نقشه موقعیت

در نقشه موقعیت، طیف گسترده و متنوعی از عناصر، موجودیت‌ها، ساختارها، مؤلفه‌های انسانی و غیرانسانی از جمله؛ کنشگران انسانی (کاربران، شهروندان، سیاستمداران، سیاست‌گذاران، ذی‌نفعان، شبکه‌ها، انجمن‌های صنفی، انجمن‌های مدنی و گروه‌های مرجع)، ابزارها، فناوری‌ها، ارزش‌ها، گفتمان‌ها، نمادها، نشانه‌ها، استعاره‌ها، تعارضات، قوانین و سیاست‌ها، صداهای خاموش و حاشیه‌ای، حوزه‌های قدرت و اقتدار، ارتباطات، هنجارها، آیین‌ها و مناسک جانشانی می‌شود [۵ و ۲۰]. شناسایی و احصای مؤلفه‌ها و موجودیت‌های حاضر در موقعیت، امکان تحلیل نظام‌مند داده‌ها را برای محقق فراهم می‌کند. این کار با ترسیم نسخه ساخت‌نیافته^۱ شروع می‌شود.

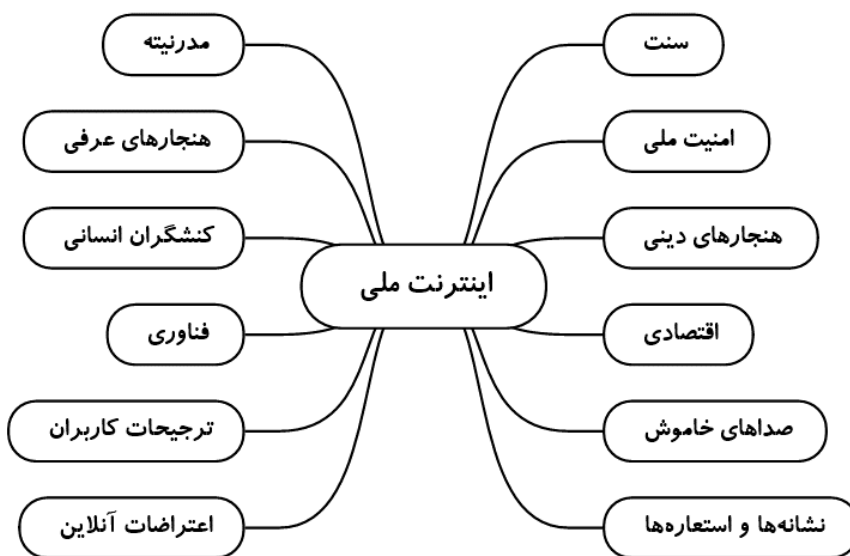
در این مرحله محقق باید بر مبنای اسناد، متون، مصاحبه‌ها یا تجربه و آگاهی شخصی، سیاهه‌ای از عناصر یا کدهای

² Ordered Map

¹ Messy Map



شکل ۱- بخشی از نقشه ساخت نیافته (سیاهه اولیه) مربوط به موقعیت انگاره اینترنت ملی



شکل ۲- نگاهت مؤلفه‌های موقعیت انگاره اینترنت ملی

جدول ۱- نقشه ساخت یافته موقعیت انگاره اینترنت ملی

سنت	مدرنیته	هنجارهای دینی	هنجارهای عرفی	کنشگران انسانی
مشروع	مشروطه	مکارم اخلاق	تنوع فرهنگی	کاربران
گفتمان تکلیف مدار	گفتمان حق مدار	انقلاب فرهنگی	تنوع قومی	سیاستمداران
رستگاری	معیشت	امنیت اخلاقی	تنوع مذهبی	سیاستگذاران
امت - امامت	دولت - ملت	گسترش فرهنگ دینی	سبک زندگی عرفی	رهبران مذهبی و مراجع
انتظار و مهدویت	جامعه مدنی	حفظ کیان خانواده	فردگرایی	نهادهای دولتی - حکومتی
تکلیف الهی	حق دیجیتال	سبک زندگی ایرانی اسلامی	بی طرفی شبکه	حوزه و دانشگاه
مدینه النبی	دموکراسی	امربه معروف و نهی از منکر	پاسخگویی	احزاب و سمن ها
عدالت	حاکمیت قانون	سالم سازی فضای مجازی	شفافیت و سوت زنی	ارائه دهندگان خدمات زیرساختی
جهاد تبیین	آزادی بیان	مرجعیت محتوایی	مطالبه گری مجازی	تولید کنندگان نرم افزار و محتوا
پیشرفت	توسعه	مرزهای اعتقادی دیجیتال	هشتک ها	صاحبان پلتفرم ها
فناوری	اعتراضات آنلاین	نشانه ها و استعاره ها	اقتصادی	امنیت ملی
گوشی هوشمند	قومی	مرزهای اعتقادی دیجیتال	رمزارزها	نفی نظام سلطه در فضای مجازی
اینترنت ماهواره ای	سیاسی	اشغال سایبری	فرار مالیاتی	گروهک های معاند
پیام رسان بومی	اقتصادی	خرمشهر اینترنت	اقتصاد محتوا	اعتراضات اجتماعی
شبکه های اجتماعی	کارگری	اینترنت معبر دشمن	اقتصاد پلتفرم	توهین به مقدسات
نسل پنجم موبایل	دانشجویی	جهنم اینستاگرام	اقتصاد دیجیتال	جاسوسی سایبری
زیرساخت های فناوری	محیط زیستی	کربلای تلگرام	اقتصاد دانش بنیان	مرزبانی سایبری
اطلاعات	آزادی یواشکی	قتلگاه اینترنت	حق مالکیت معنوی	نبرد سایبری
پهن باند (FTTH)	دختران خیابان انقلاب	شیب خون فرهنگی	تسهیل چند حرفه گی	امنیت سایبری
کلان داده ملی	صداهای خاموش	افسر جنگ نرم	حمایت از تولید داخل	پدافند غیرعامل
فیلترینگ	محرومان دیجیتال	زمین بازی استخبار	کرونا و توسعه فضای مجازی	نشر اکاذیب
وی.پی.ان	اقلیت های قومی	قرارگاه سایبری	کسب و کارهای فضای مجازی	جرائم سایبری
ترجیحات کاربران	اقلیت های زبانی	آتش به اختیار		سرقه هويت
حریم خصوصی	اقلیت های مذهبی	جنگ نرم		
قابلیت های فنی	اقلیت های جنسیتی	ابزار سمپاشی		
آزادی های فردی	معلولان و سالمندان	آزادراه نفوذ		
آزادی بیان	کودکان			
طرح صیانت				

۴-۲ نقشه جهان های اجتماعی و عرصه ها

کلارک مفاهیم جهان های اجتماعی^۱ و عرصه ها^۲ را از مطالعات اشتراس وام گرفته است. از دید اشتراس جهان های اجتماعی، گروه های جمعی، با هویت های تسهیم شده^۳ و متعهد به واکنش جمعی هستند [۲۴]. جهان اجتماعی جایی است که بازیگران همسو، با به اشتراک گذاری یک گفتمان، به انجام کنش های مشترک متعهد هستند. در مقابل، عرصه ها مجموعه ای از چند جهان اجتماعی گوناگون بوده و به دلیل حضور کنشگران، دیدگاه ها، منافع و تعهدات متفاوت،

ساحت های کلان اختلاف و نزاع، دیدگاه های ناهمگن، کانون های قدرت، بازیگران جمعی^۴ و گفتمان ها هستند [۴]. چنانکه ملاحظه می شود نقشه جهان های اجتماعی و عرصه ها، تفسیرهای سطح میانی^۵ از موقعیت، شامل بازیگران جمعی، کنش های جمعی و مشارکت آنها در برساختن جهان، عرصه های تعهد، و نیز گفتمان های اثرگذار در مذاکرات میان عناصر موقعیت را فراهم می کنند [۵]. از دیگر سو، جهان های اجتماعی و عرصه ها، به مثابه پدیده های گفتمانی، هم محصول گفتمان ها هستند و هم خود در برساختن گفتمان ها نقش

^۱ Social World

^۲ Arena

^۳ Shared

^۴ Collective

^۵ Meso

دارند. از این رو جهان‌های اجتماعی و عرصه‌ها به مثابه نظام‌های باز، همواره دچار پویایی و تغییر بوده و از طریق دادوستد با پیرامون خود، برساخته می‌شوند. به همین منظور کلارک [۲۵] پیشنهاد می‌کند مرزهای محیطی آنها به صورت باز و منفذدار^۱ ترسیم شود. باید خاطر نشان کرد که جهان‌های اجتماعی، معمولاً با یکدیگر همپوشانی دارند زیرا برخی از مؤلفه‌ها و کنشگران در برساختن چندین جهان اجتماعی یا عرصه مشارکت دارند. بر همین مبنا، گفتمان‌ها نیز به طور کامل منفک و جدا از هم نیستند. آنها معمولاً با یکدیگر همپوشانی داشته و ضمن تأثیرپذیری از هم، دستخوش تغییر و تحول می‌شوند [۱]. به طور مثال بسیار از کاربران فضای مجازی، ضمن داشتن دغدغه اخلاق و امنیت، هوادار حریم خصوصی شهروندان و نیز بهره‌مندی از حق دیجیتال هستند. ادعای هم‌پوشانی در مورد دو عرصه سنت و مدرنیته نیز صادق است. برای ترسیم این نقشه، محقق باید ابتدا نسبت به شناسایی جهان‌های اجتماعی اقدام کرده و سپس آنها را در قالب عرصه‌های فراگیر ناظر بر مسأله جانشانی کند. شکل ۳ نقشه خلاصه‌ای از برخی از جهان‌های اجتماعی اثرگذار بر موقعیت اینترنت ملی در ایران را نشان می‌دهد. این جهان‌ها در قالب دو عرصه عمده؛ سنت و مدرنیته بازنمایی شده‌اند. عرصه سنت از جهان‌های اجتماعی متعددی از جمله؛ سبک زندگی ایرانی اسلامی، گفتمان تکلیف‌مدار، اندیشه رستگاری، اندیشه امت - امامت، کاربران ارزشی تشکیل شده است. در عرصه مدرنیته نیز جهان‌های اجتماعی پرشماری مانند سبک زندگی عرفی، گفتمان حق‌مدار، اندیشه دولت - ملت، کاربران عرفی، اندیشه معیشت و گفتمان فناوری حاضرند. از رویکرد نظام‌های اجتماعی-فنی، فناوری به دلیل توانایی قابل ملاحظه‌اش در شکل دادن به موقعیت مسأله یکی از جهان‌های اجتماعی مؤثر است [۱]. الصاق برخی جهان‌های اجتماعی، مانند کنشگران به یکی از دو عرصه حاضر در موقعیت، محل مناقشه است زیرا طبق جدول ۱، تنوع و تکرار زیادی در میان کنشگران فضای مجازی وجود دارد.

۴-۳ نقشه‌های رابطه‌ها

انگاره اینترنت ملی را می‌توان از منظری دیگر و با استفاده از نقشه‌های رابطه‌های درهم تنیده و متقابل میان عناصر حاضر

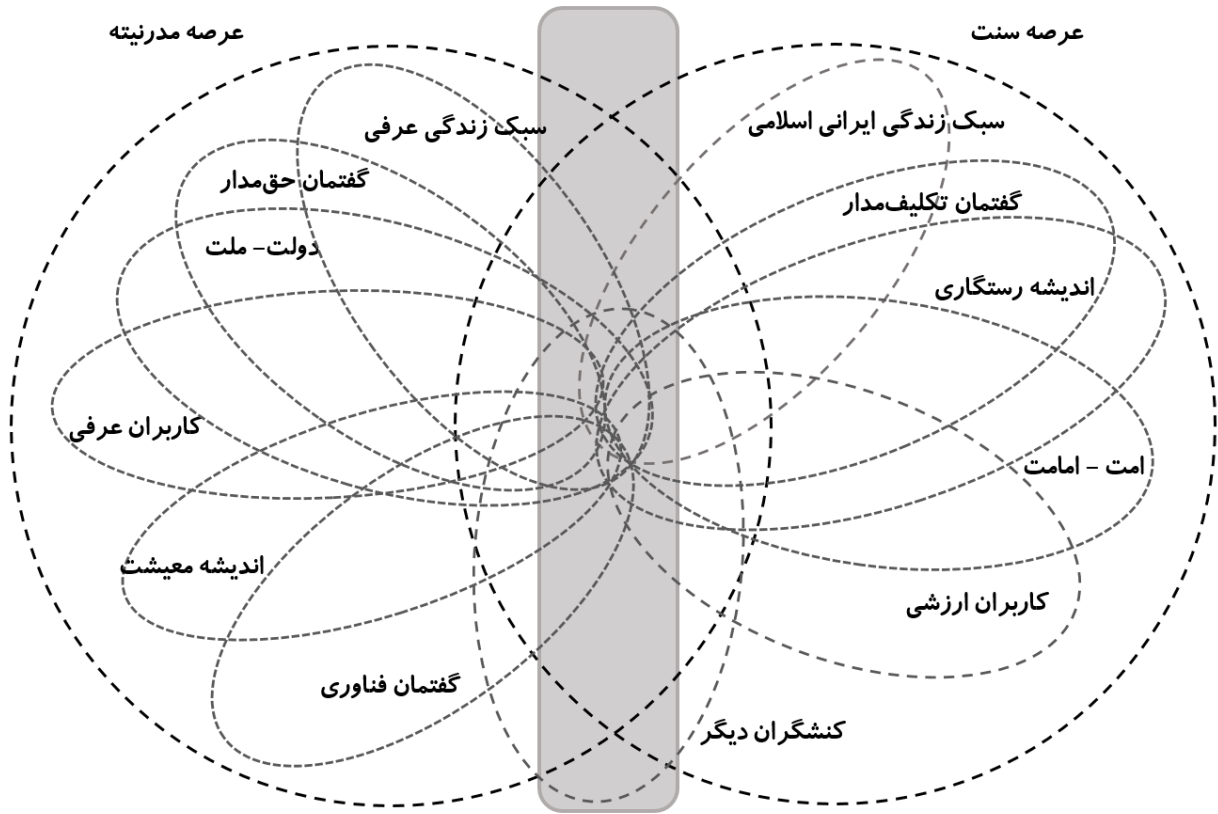
در موقعیت تحلیل کرد. نقشه‌های رابطه با آشکارسازی روابط میان گُدها و عناصر موقعیت، بیش از پیش بر غنای تحلیلی در مورد موقعیت مسأله می‌افزایند. تحلیل رابطه‌ای پس از آماده‌سازی نقشه نامرتب (سیاهه اولیه) انجام می‌شود. برای این کار کافی است محقق با انتخاب هر عنصر (یا مضمون) بر روی نقشه، خطوط ارتباطی آن با سایر عناصر را رسم کند. البته بعید نیست یک عنصر در چند نقشه رابطه حضور داشته باشد. برای پرهیز از شلوغی می‌توان به تعداد عناصر روی نقشه ساخت‌نیافته موقعیت، نسخه مجزائی از رابطه‌ها رسم کرد [۴]. در شکل‌های ۳ و ۴، به منظور رعایت اختصار، بخشی از نقشه رابطه مربوط به مضامین معیشت و رستگاری ترسیم شده است. با ترسیم بقیه نقشه‌های رابطه می‌توان پرده از روابط متقابل، پیچیده، چند بعدی و گسترده میان عناصر و مضامین متعدد موقعیت برداشت.

۴-۴ نقشه وضعیت

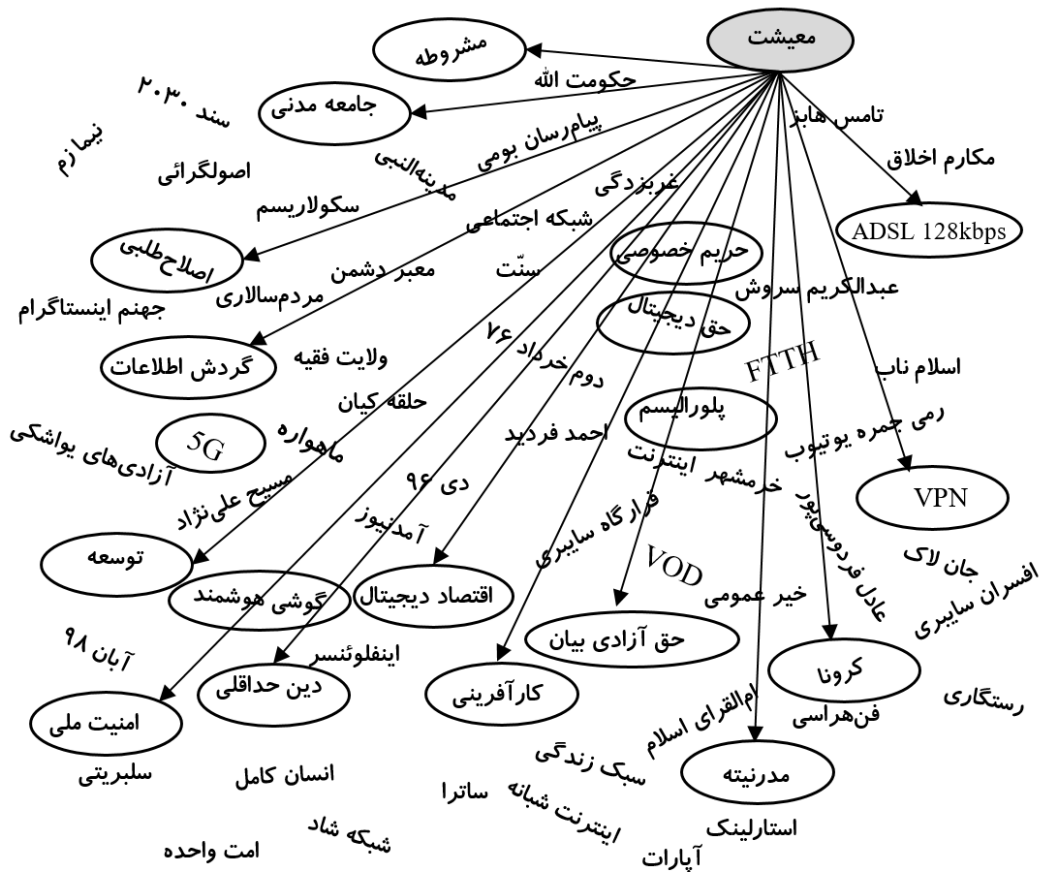
نقشه‌های وضعیت^۲ به تبیین وضعیت‌های اتخاذ شده و اتخاذ نشده در موقعیت، شامل عدم قطعیت‌ها، تناقضات، نگرش‌های رقیب و صداها، خاموش، تفاوت‌ها، چالش‌ها، مواضع، ائتلاف‌ها، منافع مشترک، تعارض در میان گروه‌های همسود و ناهمسود، و نیز دغدغه‌های موجود پیرامون مسأله پژوهش می‌پردازند [۴]. برای ترسیم این نقشه‌ها باید به این پرسش‌ها پاسخ داد: چه فعل و انفعالاتی در عرصه‌ها جریان دارند؟ فرایندها و فعالیت‌ها در موقعیت چگونه انجام می‌شوند؟ سناریوها از چه قرارند؟ چه اقتضائاتی وجود دارد و آثار و نتایج هر یک از آنها چیست؟ [۲۰]. مهم‌ترین ویژگی این نقشه‌ها، ارائه درک پویا از مسائل کلیدی، و نیز کشف وضعیت‌های درک نشده و نامشهود در داده‌ها و نیز زوایای مغفول مسأله است. محقق برای ترسیم نقشه‌های وضعیت، باید هر عنصر یا مسأله مستقر در موقعیت را در حالت‌های اقتضائی و سناریوهای مختلف تجسم کرده و سپس هر یک از وضعیت‌های احتمالی و ممکن را تشریح کند. در تحلیل‌های رایج، بخش قابل ملاحظه‌ای از فراورده‌های نقشه‌های وضعیت، مغفول می‌مانند. برای ذکر نمونه‌ای از نقشه وضعیت، به تشریح تبعات اقتصادی ایجاد محدودیت در دسترسی به اینترنت جهانی می‌پردازیم (شکل ۶).

² positional maps

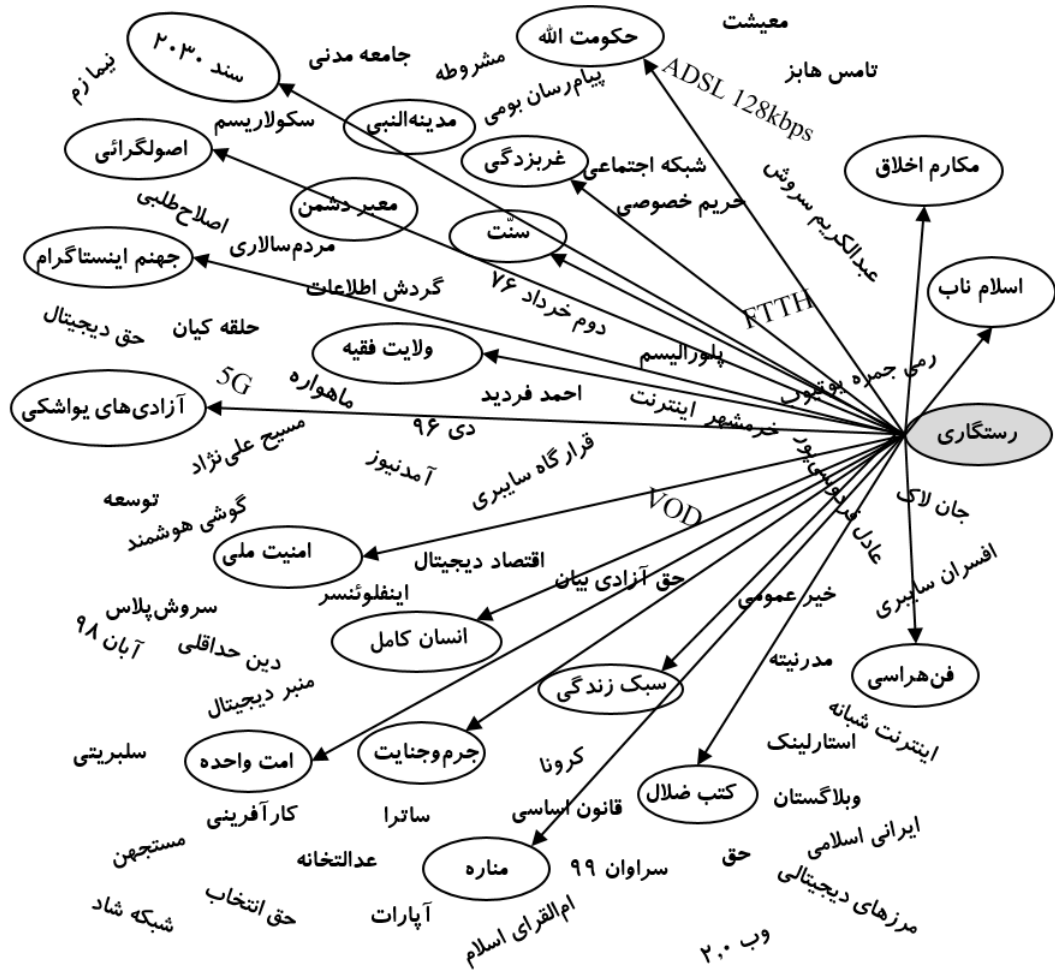
¹ Porous



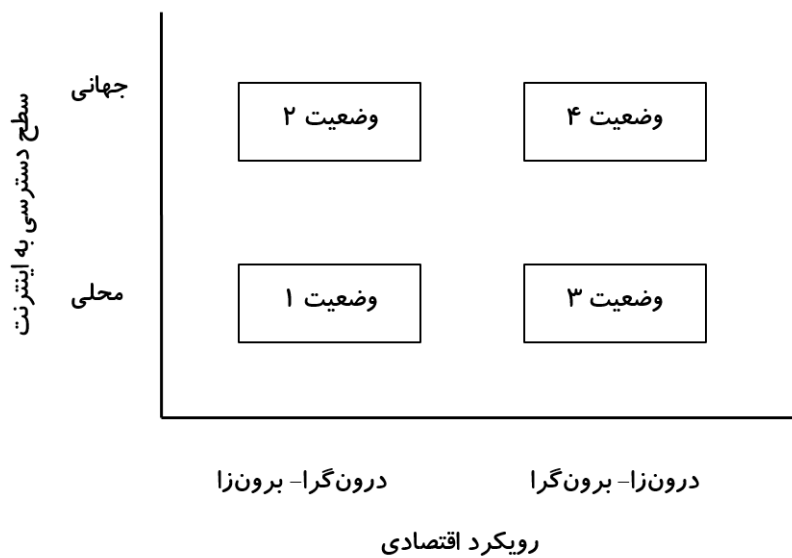
شکل ۳- نقشه جهان‌های اجتماعی و عرصه‌ها، و نیز ساحت سیاستگذاری فضای مجازی و اینترنت ملی (ناحیه خاکستری)



شکل ۴- بخشی از نقشه رابطه مربوط به مضمون معیشت



شکل ۵- بخشی از نقشه رابطه مربوط به مضمون رستگاری



شکل ۶- یک نقشه وضعیت نمونه پیرامون رابطه بین رویکرد اقتصادی و ایجاد محدودیت در دسترسی به اینترنت

جهانی اینترنت با درون‌زایی و برون‌گرایی در اقتصاد، و توسعه کسب‌وکارهای دانش‌بنیان و دیجیتالی منافات دارد.

۵- بحث

در بخش ۴ ابتدا برای ترسیم نقشه موقعیت اینترنت ملی، گدھا و عناصر حاضر در موقعیت در سیاهه‌ای ساخت‌نیافته درج گردید (شکل ۱). در گام بعد نقشه ساخت‌یافته و نگاره موقعیت اینترنت ملی، ترسیم شد (جدول ۱ و شکل ۲). نقشه ساخت‌یافته موقعیت نشان داد با طیف متنوع و متکثری از موجودیت‌ها و مؤلفه‌ها در موقعیت مذکور مواجه هستیم. در گام بعد به ترسیم نقشه جهان‌های اجتماعی و عرصه‌های دخیل در برساخت عرصه سیاست‌گذاری فضای مجازی و اینترنت ملی پرداختیم (شکل ۳). جهان‌های اجتماعی و عرصه‌ها در رویکرد کلارک به مثابه دو مفهوم گفتمانی، هم‌ارز مفاهیم نظم‌گفتمانی و صورت‌بندی دانایی در رویکرد فوکو هستند. گفتمان‌های دخیل در پیکربندی هر نظم‌گفتمانی (یا جهان اجتماعی) می‌توانند سایر نظم‌های گفتمانی (یا جهان‌های اجتماعی دیگر) را دستخوش تغییر کنند. از این رو برای ترسیم نقشه جهان‌های اجتماعی و عرصه‌های دخیل در سیاست‌گذاری فضای مجازی (اینترنت ملی)، باید گفتمان‌های اثرگذار و خاستگاه‌ها و ریشه‌های آنها را شناسایی کرد. این گفتمان‌ها، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در ترسیم نقشه‌های چهارگانه موقعیت نقش دارند.

ایران امروز برآمده از دو جریان تاریخی سنت و مدرنیته است. جریان سنت، ریشه در سابقه هزاروچهارصد ساله دینی- اسلامی دارد. سابقه جریان مدرنیته هم به انقلاب مشروطه، کاهش قدرت سلطنت و تأسیس برخی نهادهای مدرن مانند دادگستری (عدالتخانه) در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی برمی‌گردد. این دو جریان، تا امروز دوره‌های مختلفی را از سر گذرانده‌اند. با کمی اغماض می‌توان دو طیف اصولگرا و اصلاح‌طلب را نماینده این دو سنت تاریخی در ایران امروز دانست [۲۸]. تفاوت مشهود در دال‌های این دو گفتمان، منشأ بروز تخاصم‌ها و غیریت‌سازی‌های گفتمانی بوده است. بررسی برداشت مطبوعات مختلف ایران از عبارت جامعه مدنی در دوره ۱۳۸۸-۱۳۹۳ به خوبی مؤید وجود چنین تخاصمی است [۲۹]. این تخاصم از سال ۱۳۷۶ و با

یکی از ایرادات اقتصاد ایران، درون‌گرایی و برون‌زایی آن در طول چند دهه گذشته بوده است. به این معنا که از یک‌سو، تولید عمده کالاها و خدمات، متکی به درآمدهای حاصل از صدور نفت، تثبیت نرخ ارز، یارانه‌های انرژی و حمایت‌های دیگر است و از سوی دیگر بنگاه‌های داخلی از رقابت در بازارهای منطقه‌ای و جهانی عاجز هستند [۲۶]. در چنین شرایطی، فعالیت‌های اقتصادی، عمدتاً توسط بنگاه‌های بزرگ دولتی یا شبه‌دولتی انجام می‌شود و منابعی مانند نفت، گاز و معادن به عنوان مزیت اصلی اقتصاد ایران در عرصه جهانی مطرح هستند. این رویکرد اقتصادی منبع‌بنیان به شدت متأثر از عوامل کنترل‌ناپذیر خارجی مانند تحریم است چنانکه به آسانی می‌تواند رشد اقتصادی را به چالش بکشد. از منظر دسترسی به اینترنت، به دلیل کم‌شمار بودن بنگاه‌ها، مدیریت شبکه‌های اطلاعاتی برای رفع نیازهای تجاری و ایجاد ارتباط آنها با مشتریان بین‌المللی، حتی در صورت وضع محدودیت کلی بر روی شبکه جهانی (وضعیت ۱) امکان‌پذیر است.

در رویکرد بدیل یعنی درون‌زایی و برون‌گرایی در اقتصاد، بهره‌برداری از فرصت‌ها و مزیت‌های درونی مورد تأکید است. رشد و ثبات منشأ درونی دارد و تاب‌آوری اقتصادی در گرو تنوع صادراتی، درگیر ساختن آحاد مردم و بخش‌های مختلف اقتصادی در اقتصاد منطقه‌ای و جهانی است. در این رویکرد، اقتصاد دانش‌بنیان و نیز اقتصاد دیجیتال به عنوان بدیل اقتصاد منبع‌بنیان مطرح هستند و ضمن داشتن ظرفیت مناسب برای کاهش بیکاری، قادر هستند رشد اقتصادی را از طریق بهبود بهره‌وری و عملیات در بخش‌های دیگر اقتصاد شتاب دهند [۲۷]. از آنجا که کسب‌وکارها و بنگاه‌های کوچک و متوسط، نقش اساسی در این عرضه ایفا می‌کنند، هر گونه محدودیت بر دسترسی به شبکه جهانی اطلاعات، آسیب جدی به فعالیت آنها خواهد زد. در کنار انسداد کامل و کاهش پهنای باند، بستن پورت‌های وی. پی. ان (VPN) از راه‌های ایجاد محدودیت در دسترسی است. محلی‌سازی اینترنت به معنای انسداد کامل و کاهش پهنای باند (وضعیت ۳) می‌تواند دسترسی به شرکا و مشتریان جهانی را مختل کند در حالی که بستن پورت‌های وی. پی. ان حتی امکان ارتباطات مرسوم بین کسب‌وکارها با شرکای محلی را نیز از بین خواهد برد. از این‌رو به نظر می‌رسد ایجاد محدودیت در دسترسی به شبکه

مسیر عروج به سوی کمال انسانیت است و فضای مجازی باید بسترساز حرکت به سوی رستگاری در آحاد شهروندان باشد (شکل ۵). این ایده با مفاهیمی مانند حکومت الله، امت واحده، مدینه‌النبی و انسان کامل پیوند دارد. در حالی که کنشگران هوادار گفتمان حق‌مدار از بهبود معیشت با تکیه بر فضای مجازی دفاع می‌کنند. این ایده در ارتباط مستقیم با مفاهیمی مانند جامعه مدنی، حق دیجیتال، حریم خصوصی، کارآفرینی، توسعه و اقتصاد دیجیتال است (شکل ۴).

در تحلیل کلارک، نقشه جهان‌های اجتماعی و عرصه‌ها، نقش محوری ایفا می‌کند. اکنون، بر همین مبنا و با توجه به مطالب ذکر شده در چند بند قبل می‌توان ادعای اصلی یا نظریه این پژوهش را مطرح کرد. ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ایران و نیز نتایج حاصل از تحلیل موقعیت و نقشه جهان‌های اجتماعی و عرصه‌ها (شکل ۳) نشان می‌دهد ساحت سیاستگذاری فضای مجازی در ایران به طور عام و اینترنت ملی به طور خاص (ناحیه خاکستری در شکل ۳)، عمدتاً ترکیبی از دو عرصه متضاد و گاه متخاصم؛ سنت و مدرنیته است. هر یک از این دو عرصه، دربردارنده جهان‌های اجتماعی متعددی است که به صورت زنده و پویا، بر امر سیاست‌گذاری اثر می‌گذارند و نفی‌شدنی نیستند. از این‌رو ضرورت دارد سیاستگذاری در زمینه فضای مجازی، بر رعایت متوازن و متعادل حال هر دوی آنها، و نیز بر ایجاد تفاهم، همکاری و اجماع بین جهان‌های اجتماعی حاضر در موقعیت بنا شود.

۶- نتیجه‌گیری

در این پژوهش، ابتدا رویکرد پسامدرن‌گرایی و پس‌ساختارگرایانه تحلیل موقعیت را به عنوان رویکردی نظام‌مند در ساختاردهی به مسائل پیچیده و ساخت‌نیافته معرفی کردیم. سپس کاربری عملی آن را در امر سیاست‌گذاری فضای مجازی، به مثابه یک نظام پیچیده و کلان اجتماعی - فنی مراتب نشان دادیم. چنین تجربه‌ای از رویکرد تحلیل موقعیت متضمن چند مزیت قابل ملاحظه برای سیاستگذاری به طور عام و سیاستگذاری فضای مجازی به طور خاص است:

هژمونیک شدن گفتمان اصلاح‌طلبی شروع شده و به‌رغم اُفت‌وخیزها، همچنان باقی است. جامعه مدنی در مطبوعات اصلاح‌طلب، با دال مرکزی قانون و با نشانه‌هایی از قبیل قانون اساسی، دولت قانون‌مدار و دموکراتیک، رسانه‌های مستقل، نهادهای مدنی خردمحور و توسعه‌گرا، نیل به دموکراسی، اعتماد مردم، کنش‌های مدنی، دولت پاسخگو، جنبش‌های مدنی و جامعه متکثر همراه بوده است [۳۰]. در مقابل، در مطبوعات اصولگرا، جامعه مدنی با دال مرکزی امت دینی و با نشانه‌هایی از جمله؛ جامعه دینی، شهر اسلامی، خدامحوری، شهر نبوی، شهروندی اسلامی، جامعه ارزش‌محور، امت واحده اسلامی، مشروعیت دینی، و حکومت مشروع مآذون از جانب خدا معنا یافته است [۲۹]. این اختلاف در برداشت از معنای جامعه مدنی سبب شده دو گفتمان مذکور بر سر تعیین ماهیت مفهومی و کارکردی سه واژه دولت، قانون و شهروندی (و حق و تکلیف) دچار اختلافات بنیادین باشند. اختلافی که ریشه آن سازوکارهای متفاوت خلق معنا از مفهوم مدینه‌النبی است. در حالیکه گفتمان اصلاح‌طلبی، مدینه‌النبی را به قانون، حقوق برابر شهروندی و مشارکت ترجمه می‌کند اصولگرایان، آن را معادل حکومت دینی، پیروی از قوانین حقیقی اسلام و بیعت، می‌دانند [۲۹].

این تخاصم گفتمانی در موقعیت اجتماعی و سیاسی، به سایر حوزه‌ها از جمله سیاستگذاری فضای مجازی نیز سرایت کرده است. به طور مثال نگارندگان در پژوهشی دیگر، دو گفتمان اصلی اثرگذار بر فرایند سیاستگذاری در حوزه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی را شناسایی کرده‌اند. گفتمان تکلیف‌مدار، با دال مرکزی امنیت/ هوادار حفظ امنیت ملی و ثبات ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. در مقابل، گفتمان حق‌مدار، با دال مرکزی حق دیجیتال، طرفدار حق دسترسی شهروندان، بی‌طرفی شبکه، انتشار آزاد اطلاعات، شفافیت و نیز حریم خصوصی است [۱].

برای درک موقعیت جهان اجتماعی برساخته شده توسط گفتمان تکلیف‌مدار کافی است به سازوکار استعاره‌سازی آن نظر کنیم. هواداران این گفتمان برای تبیین وضعیت نابهنجار فضای مجازی، از استعاره‌هایی مانند ابزار ضلال (گمراهی)، بازی در زمین دشمن، آزادراه نفوذ و ابزار غفلت (از یاد خدا) استفاده می‌کنند. در این دیدگاه، انگاره اینترنت پاک به مثابه

۴. در راستای نکته قبل، باید خاطر نشان کرد با توجه به نقشه جهان‌های اجتماعی و عرصه‌ها (شکل ۳)، ساحت سیاستگذاری اثربخش در حوزه فضای مجازی، مستلزم قرارگرفتن در فصل مشترک جهان‌های اجتماعی و عرصه‌های مختلف حاضر در موقعیت فضای مجازی (ناحیه خاکستری) است. از این منظر، امر سیاستگذاری به کاری خطیر تبدیل می‌شود و بایستی با لحاظ کردن جمیع جهان‌های اجتماعی و عرصه‌های حاضر در موقعیت، دست به تدوین سیاست زد.

۵. استفاده از رویکرد تحلیل موقعیت به سیاستگذار اجازه می‌دهد، فارغ از پیش‌فرض‌ها، تعصبات و کلیشه‌ها، با نور افکندن بر زوایای تاریک و بخش‌های مغفول، مسأله را شناسایی و واکاوی کند. تمرکز بر عرصه‌ها و جهان‌بینی‌های کمتر دیده‌شده، مانند گفتمان‌های غیررسمی، رفتارشناسی و ترجیحات کاربران، صداها، خاموش یا ساکت شده یا به حاشیه‌رانده، دید جامع‌تری برای مواجهه با مسأله در اختیار سیاست‌گذار قرار خواهد داد. اگر چنین شود احتمال انتخاب سیاست‌های مناسب در مرحله تدوین، و در نتیجه موفقیت آنها در مرحله اجرا بیشتر خواهد شد.

روش تحلیل موقعیت با لحاظ پیچیدگی‌ها، مؤلفه‌ها و کنشگران گوناگون، و نیز شناسایی عاملان پیدای پنهان حاضر در موقعیت مسأله، افق‌های تازه‌ای در ذهن سیاست‌پژوهان می‌گشاید و در شناسایی بهتر جغرافیای مسائل مختلف پژوهشی و زوایای نادیده آنها بسیار مفید است. با وجود این، در کاربست این رویکرد در پژوهش‌های مختلف لازم است به دلیل تعدد مؤلفه‌های دخیل در مسأله و نیز تنوع روش‌شناختی در تحلیل آنها، طیف متنوعی از مطالعات، روش‌ها و راهبردها مورد توجه قرار گیرد. برای تقویت رویکرد کلارک می‌توان برخی اقدامات را به کار بست. به طور مثال، چنانچه نقشه‌ها در قالب برگزاری جلسات گروهی و کارگاهی ترسیم شود از توان اجماع‌سازی بیشتری برخوردار خواهد بود. به این منظور می‌توان پس از استخراج نقشه‌های منفرد توسط افراد مختلف، پس از مباحثه و انجام جرح و تعدیل‌های کافی، آنها را در قالب یک نقشه واحد تنظیم کرد. این امر به‌ویژه در کارهای پژوهشی دارای قلمرو گسترده مانند پروژه‌های آینده‌نگاری و سیاستگذاری در سطح ملی توصیه می‌شود. ضروری است محققان آینده، برای آگاهی از نحوه ترسیم نقشه‌های موقعیت،

۱. در نگاشت موقعیت مسأله فضای مجازی، در کنار عاملان انسانی، تعداد کثیری مؤلفه‌های غیرانسانی از جمله اشیاء، فناوری‌ها، نشانه‌ها، نمادها، خاستگاه‌های فلسفی و فرهنگی حضور دارند. عاملیت‌ها و کنشگران غیرانسانی نقش فعالی در موقعیت داشته و با تحمیل ویژگی‌ها، ملزومات و پیش‌نیازهای خود، تعاملات داخل موقعیت را از بُعد ساختاری شرطی می‌کنند [۵]. پذیرش این دیدگاه، تصور رایج از سوژه، ابژه، گفتمان و تغییر را برهم‌زده و امر سیاست‌گذاری را موکول به دخیل کردن عاملان و عناصر تازه‌وارد در مسأله می‌کند.

۲. مطابق دیدگاه پساساختارگرایی، مؤلفه‌های مختلف حاضر در موقعیت نیز دارای ویژگی‌های گفتمانی هستند. کنشگران غیرانسانی از جمله اشیاء و فناوری‌ها، در کنار کاربران و عاملان انسانی، در برساختن عرصه‌ها و جهان‌های اجتماعی، و همچنین ساختارها، نهادها و هنجارها، حضوری موثر دارند. این امر ضرورت کشف و درک خصائل زبانی و گفتمانی کنشگران غیرانسانی را - علاوه بر عاملان انسانی - دوجندان می‌کند. بدون فهم این گفتمان‌ها نمی‌توان شمایل درستی از دایره سیاست‌ورزی در حیطه فضای مجازی ترسیم کرد.

۳. از دیدگاه کلارک، به دلیل حضور مؤلفه‌ها و کنشگران غیرانسانی متعدد در ساحت سیاست‌گذاری فضای مجازی، اتخاذ نگاه تقلیل‌گرا و اکتفای صرف بر خواسته‌ها و منویات کنشگران انسانی، و غفلت از مؤلفه‌های به ظاهر حاشیه‌ای حاضر در آن، سبب درک رهزن از مسأله از موقعیت پیچیده مسأله فضای مجازی خواهد شد. اتفاقی که به نوبه خود سبب ارائه راهکار سیاستی نادرست شده و در نتیجه به‌رغم تحمیل هزینه‌های چشمگیر مالی، فنی و اجتماعی، ناکامی در امر سیاستگذاری را رقم خواهد زد. برای احتراز از این امر، سیاستگذاری در حوزه فضای مجازی، می‌بایست از افتادن در تله ساده‌سازی مسأله و تقلیل آن به یک یا چند عامل مانند حق دیجیتال، معیشت یا امنیت دور بماند و به جای آن، پیچیدگی‌ها، عدم قطعیت‌ها، وضعیت‌های گوناگون، جهان‌بینی‌ها و گفتمان‌ها، مؤلفه‌های زمانی و جغرافیایی، عاملیت و ترجیحات کاربران، و نیز سبک زندگی و هنجارهای آنان را در کنار مؤلفه‌های اجتماعی و سیاسی ناظر بر مسأله مورد توجه قرار دهد.

- [15] Geels, F. W. (2005). **Technological transitions and system innovations: a co-evolutionary and socio-technical analysis**. *Edward Elgar Publishing*.
- [16] Khalili, M. (2018). **Can Technological Artifacts Be Good or Bad?** *Journal of Science & Technology Policy*, 10(3), 17-28. {In Persian}. DOI: 10.22034/jstp.2018.10.3.539497
- [17] Babaii, S., & Tajiki, R. (2020). **Strategies to Increase the Role of Women in the Development of Digital Technologies**. *Journal of Science & Technology Policy*, 12(2), 71-84. {In Persian}. DOI: 10.22034/jstp.2020.12.2.1217
- [18] Atkinson, P., Coffey, A., & Delamont, S. (2003). **Key themes in qualitative research: Continuities and changes**. *Rowman Altamira*.
- [19] Clarke, A. E., Friese, C., & Washburn, R. (Eds.). (2015). **Situational analysis in practice: Mapping research with grounded theory (Vol. 1)**. *Left Coast Press*.
- [20] Farasatkah, M. (2016). **Qualitative research methodology in social sciences with emphasis on Grounded theory**. *Agah Publications*. {In Persian}
- [21] Babaei Salanghooch E, Massoud M, Rabie K. (2018). **Explaining the characteristics and components of islamic city with situational analysis**. *Journal of researches in Islamic architecture*, 6 (2), 1-18. {In Persian}.
- [22] Pérez, M. S., & Cannella, G. S. (2013). **Situational analysis as an avenue for critical qualitative research: Mapping post-Katrina New Orleans**. *Qualitative Inquiry*, 19(7), 505-517.
- [23] Charmaz, K. (2006). **Constructing grounded theory: A practical guide through qualitative analysis**. *sage*.
- [24] Clarke, A. E. (2019). **Situating grounded theory and situational analysis in interpretive qualitative inquiry**. *The SAGE handbook of current developments in grounded theory*, 3-48.
- [25] Clarke, A. E. (2003). **Situational analyses: Grounded theory mapping after the postmodern turn**. *Symbolic interaction*, 26(4), 553-576.
- [26] Bakhshiani, R. (2014). **Endogeneity and outward-looking of the economy**. *Donya-e-Eqtasad daily*. {In Persian}.
- [27] Nili, M. (2014). **Resistive economy as an endogenous and outward-looking economy**. *Tasnim news agency*. {In Persian}.
- [28] Soltani, S. A. A. (2008) **Power, discourse and language: Mechanisms of power in the Islamic Republic of Iran**. *Ney Publication*. {In Persian}.
- [29] Zolfaghari, A., Damirchi, S., Bagheri, H., & Benjar, A. (2016). **Representation of civil society in the Iranian press**. *Sociology of social institutions*, 4 (9), 43-77. {In Persian}.

پژوهش‌های پیشین خانم کلارک و همکاران او را مورد بررسی و نکته‌سنجی قرار دهند.

در مجموع به نظر می‌رسد بهره‌گیری از رویکرد تحلیل موقعیت، امکانات مناسبی برای تبیین و ترسیم صحیح جغرافیای مسائل در حوزه‌های مختلف سیاست‌پژوهی از جمله فضای مجازی، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در اختیار محققان قرار دهد.

References

منابع

- [1] Bayat, A., Fathian, M., Moghaddam, N. B., & Saifoddin, A. (2021). **The adoption of social messaging apps in Iran: Discourses and challenges**. *Information Development*, 02666669211022032. <https://doi.org/10.1177/02666669211022032>
- [2] Milojević, I. (2014). **The evolution of foresight and its impact on policy making: Case studies from Australia and Asia**. In *European Commission Joint Research Centre Conference titled "Engage today to shape tomorrow" on (Vol. 28)*.
- [3] Inayatullah, S. (2016). **Causal layered analysis: An integrative and transformative theory and method (M. Monzavi, Trans.)**. *Defense research institute publication* (original work published 2007). {In Persian}.
- [4] Clarke, A. E. (2005). **Situational analysis**. *SAGE Publications, Inc*.
- [5] Clarke, A. E. (2009). **From grounded theory to situational analysis**. *Developing grounded theory: The second generation*, 194-235.
- [6] Lyotard, J. F. (1984). **The postmodern condition: A report on knowledge (Vol. 10)**. *U of Minnesota Press*.
- [7] Laclau, E., & Mouffe, C. (2014). **Hegemony and socialist strategy: Towards a radical democratic politics**. *Verso Trade*.
- [8] Sarup, M. (1993). **An Introduction to Post-structuralism and Post-modernism**. *New York*.
- [9] Jørgensen, M. W., & Phillips, L. J. (2002). **Discourse analysis as theory and method**. *Sage*.
- [10] Foucault, M. (1972). **The Archaeology of Knowledge**. London: *Tavistock*.
- [11] Keller, R. (2012). **Doing discourse research: An introduction for social scientists**. *Sage*.
- [12] Sharifzadeh, R. (2018). **Negotiate with objects: Bruno Latour and actor-network theory**. *Ney Publication*. {In Persian}.
- [13] Babaei Salanghooch, E., Massoud, M., Zamani, B. & Rabie, K. (2017). **Situational analysis as a method in research on characteristics and components of islamic city**. *Journal of studies on Iranian-Islamic city in Islamic*, 7(27), 17-28. {In Persian}.
- [14] Clarke, A. E., & Keller, R. (2014). **Engaging complexities: working against simplification as an agenda for qualitative research today**; *Adele Clarke in conversation with Reiner Keller*.